



افراد جهان اجتماعی

ز طریق بخش اجتماعی

ایجاد جهان اجتماعی

نتیجه

ایجاد پیامدها و الزامها

نتیجه

ایجاد فرصتها و محدودیتها

**مثال** مردم ایران سال ۵۷ تصمیم گرفتند جهان اجتماعی جدیدی را به نام جمهوری اسلامی پایه گذاری کنند این جهان با اراده افراد به وجود آمد اما پیامدهای آن مستقل از اراده تک تک افراد جامعه هست.

مردم ایران در سال ۵۷ با اراده خودشان انقلاب کردند.

نتیجه

تشکیل جمهوری اسلامی (جهان اجتماعی جدید)

نتیجه

پیدایش پیامدهای مستقل از انقلاب کنندگان و سایر افراد جامعه

• اکنون یک نفر با اراده خودش نمی تواند نظام جمهوری را دوباره به پادشاهی تبدیل کند یا از قوانین پوشش اسلامی در جامعه پیروی نکند.

**نکته:** در دو خط اول این صفحه، یک نکته ای آمده است که با اینکه قبلاً هم گفته شده بود، ولی با این ادبیات تا حالا بیان نشده بود:

کنش اجتماعی

باعث می شود

ساختن جهان اجتماعی + مشارکت برای تدلوم جهان اجتماعی

یعنی کنش اجتماعی باعث می شود که جهان اجتماعی ساخته شده و همچنین تداوم پیدا کند.

• هر کدام از ما وقتی به دنیا آمدیم، جهان اجتماعی قبل از ما وجود داشت: یعنی ما در جهانی به دنیا آمدیم که قبل از ما یک سری عقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادهایی وجود داشته است و قبل از اینکه ما به دنیا بیاییم تغییرات و تحولات زیادی در این جهان اجتماعی انجام شده است تا به این جای فعلی آن رسیده است. ما هم که به دنیا آمدیم، در طول مدت زندگی یک کارها و کنش هایی انجام می دهیم که تأثیراتی در جهان اجتماعی دارد. بعد از اینکه ما مردیم، انسان های خیلی زیادی می آیند و می روند و تغییرات خیلی زیادی در طول مدت قرن ها اتفاق خواهد افتاد.

• بنابراین میلیون ها انسان فعالیت کرده اند تا جهان اجتماعی ساخته شود. سپس من، تک و تنها و یک نفر وارد این جهان اجتماعی می شوم و این یک نفر هم روزی می میرد، سپس میلیون ها آدم دیگر وارد می شوند که تغییرات زیادی ایجاد می کنند. خوب معلوم است که تأثیر من که یک نفر هستم، از تأثیر میلیون ها آدم قبل از من کمتر است و من نمی توانم اندازه همه آن ها تأثیر گذار باشم و هم چنین تأثیر من به علاوه میلیون ها آدم قبل از من، از تأثیر فرزند من که در آینده به دنیا می آید، بیشتر است. پس می توان گفت:

سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از زندگان است.

سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست.

سهم ما در ساختن جهان آیندگان، بیشتر از خودشان است.

نتیجه

دیگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند



درس ششم پیامدهای جهان اجتماعی (در حالی که جهان اجتماعی به روی ما می کشد و در حالی که می کشد)

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟

• در درس های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می پردازند و با همین کنش ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت های ما تأثیر می گذارد؟

شاه انوشیروان به موسم دی / رفت بیرون ز شهر بهر شکار / در سر راه دید مزرععی / که در آن بود مردم بسیار / اندر آن دشت پیرمردی دید / که گذشته است عمر او / ز نود / دانه جوز در زمین می کاشت / که به فصل بهار سبز شود / گفت کسری به پیرمرد / حریص / که چرا حرص می زنی چندین / ایای های تو بر لب گور است / تو کتون جوز می کنی به زمین / مرد دهقان به شاد کسری گفت / مردم از کاشتن زیان نبرند / ادگران کاشتند و ما خوردیم / اما بکاریم و دیگران بخورند / ملک انشعرا بهار

یکی از جامعه شناسان به پرسش بالا این گونه پاسخ می دهد که سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است: یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست. همچنان که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست. شما چه فکر می کنید؟

کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل گیری آن شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

## درس ۶: پیامدهای جهان اجتماعی

مقدمه:

این درس رو می شه یکی از سخت ترین درس های این کتاب دونست. هم حجم مطالبش به نسبت زیاد و هم مفاهیم جدیدش سه تا بخش کلی داره. بخش اول در مورد نقش انسان در تغییر جهان اجتماعی و در بخش دوم در مورد فرصتها و محدودیت های جهان اجتماعی صحبت می کنه. تووی این دو تا بخش باید علت و معلول ها رو خوب متوجه شی و همین طور به طور مشخص تکلیف تو رو با کتاب معلوم کنی که آخر انسان آزاده یا مجبور یا جهان اجتماعی تغییر می کنه یا نه جواب این سوآل رو باید خوب یاد بگیری.

• اما قسمت سوم درس وارد جهان غرب می شه که به مقدمه ای هست برای درس های کتاب یازدهم، پس مطمئن باش اگه اینجا خوب متوجه نشی، از یازدهم جا میمونی. تووی این بخش علاوه بر فهمیدن کلیدواژه ها (که ما همه رو کامل کامل توضیح دادیم) باید بتونی بفهمی که برای هر ویژگی چه جملاتی به کار میره چون بیشترین سوآلی که از اینجا میدن اینته که تشخیص بدی هر ویژگی با کدام جمله در ارتباطه. برای همین مواظب باش که ویژگی های مختلف جهان غرب رو با هم قاطی نکنی. اگه این درس رو خوب بفهمی قول میدم درس های قلدر یازدهم رو با هم راحت رد کنیم. پس بزن بریم...

### ۱. پیامدها و الزام های جهان اجتماعی

در درس های گذشته گفتیم که کنش اجتماعی دارای آگاهی و اراده است و همین کنش های اجتماعی است که پدیده های خرد و کلان اجتماعی را مثل جهان اجتماعی به وجود می آورد. حالا سوآل اینجاست که آیا هر کس هر طور دلش خواست و هر لحظه که اراده کرد می تواند جهان اجتماعی را تغییر دهد؟ پاسخ متفی است. درست است که جهان اجتماعی با اراده افراد به وجود می آید اما پس از ایجاد، از اراده افراد مستقل می شود و پیامدهایی را ایجاد می کند.

## بخوانیم و بدانیم

زندگی اجتماعی به منزله گفت‌وگو

تصور کنید وارد یک اتاق پذیرایی می‌شوید. دیر رسیده‌اید. وقتی که وارد می‌شوید، دیگران پیش از شما آمده‌اند و درگیر بحثی ناخ‌هستند که نمی‌توانند آن را حتی برای چند لحظه متوقف کنند و به شما بگویند که موضوع چیست. بحث، پیش از آنکه هر یک از افراد به آنجا رسیده باشند، شروع شده است و بنابراین هیچ یک از حاضران واجد شرایط لازم نیست که بتواند به شما بگوید این بحث از چه مرحله‌ای گذشته است. مدتی می‌نشینید و گوش می‌دهید بعد به این نتیجه می‌رسید که متوجه موضوع بحث شده‌اید. آنگاه شما هم وارد بحث می‌شوید و نظر خودتان را می‌گویید. کسی به شما پاسخ می‌دهد؛ شما هم پاسخ او را می‌دهید. کسی دیگر به دفاع از شما برمی‌خیزد و یکی دیگر به صف طرف مقابل شما می‌پیوندد... به هر صورت بحث پایان‌ناپذیر است. دیر وقت می‌شود و شما باید بروید، اما بحث و گفت‌وگو همچنان ادامه دارد.

## از طریق کنش

۲۰ جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

۲۱ قبلاً از تفاوت کنش انسان‌ها و فعالیت حیوانات سخن گفتیم. یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات، در خانه‌سازی آشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سرپناه نیاز داریم، به لانه و سرپناه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات خانه می‌سازند. خانه حیوانات ممکن است در مکان، شکل، مصالح، استحکام و... با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. ولی مهم‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی‌اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ‌نشین، یک‌جانشین و شهرنشین متفاوت می‌شود.



فرصت‌ها و محدودیت‌ها

۴۲

ولی انسان‌ها اینگونه نیستند. تغییر محیط می‌تواند باعث تغییر در وضعیت زندگی آن‌ها شود. بهترین مثال آن، زندگی کوچ‌نشینی است. شرایط و وضعیت افرادی که خانه ثابتی ندارند و کوچ‌رو هستند، باعث می‌شود که شرایط خاصی از زندگی داشته باشند.



انسان می‌توانست خانه خود را هر جا که می‌خواهد بسازد یا بخرد اما حال که در منطقه A مثلاً خانه خود را ساخت، دیگر باید همان‌جا زندگی کند و خود را به آن منطقه و نوع خانه وفق بدهد.

## توضیح عکس: در عکس سمت راست، یک کتابخانه را می‌بینیم. حضور در کتابخانه با

اراده و آگاهی ماست ولی همین که حضور پیدا می‌کنیم، لازم است که سکوت را رعایت کنیم. رعایت کردن سکوت باعث می‌شود ما محدود شویم و نتوانیم صحبت کنیم ولی همچنین این فرصت را ایجاد می‌کند که بتوانیم به راحتی مطالعه کنیم.

در تصویر سمت چپ، کودکی را می‌بینیم که برای تخت او محافظ گذاشته‌اند. محافظ تخت باعث محدود شدن حرکت او می‌شود ولی هم چنین او را از افتادن از تخت حفظ می‌کند.

## بخوانیم و بدانیم

این بخوانیم و بدانیم بسیار مهم است: زیرا می‌تواند به‌عنوان مثالی برای این بخش استفاده شود. مطلبی که راجع به جهان اجتماعی و تأثیر یک فرد در میان میلیون‌ها آدم قبل و بعد از آن گفتیم، می‌تواند به شکل حضور در یک گفت‌وگو باشد.

## حضور در یک گفت‌وگو

بحث پیش از آنکه هر یک شروع شده است	حضور پیشینیان و تأثیرات آن‌ها پیش از ما
آنگاه شما وارد بحث می‌شوید و...	انسان‌ها در یک جهان اجتماعی که گذشتگان ایجاد کرده‌اند، متولد می‌شوند.
دیروقت است و شما باید بروید...	جهان اجتماعی، سال‌های زیادی پس از ما هم باقی می‌ماند.

## ۲ فرصت‌ها و محدودیت‌ها

در ابتدای درس گفتیم، انسان‌ها جهان اجتماعی را با خواست خود به وجود می‌آورند، حالا همین پدیده اجتماعی به محض اینکه به وجود آمد، پیامدها و الزام‌هایی دارد که وابسته به تک‌تک افراد نیست. اکنون مثال دیگری می‌زنیم.

مثال انسان‌ها برای راحت‌تر شدن معامله‌هایشان، دور هم جمع شدند و نهادی به نام بانک را تأسیس کردند (با اراده انسان‌ها ایجاد شد). اما اکنون که ایجاد شد، افراد جامعه ملزم به رعایت قوانین آن هستند؛ مثلاً حق صدور چک بلامحل ندارند یا نمی‌توانند هر چقدر که می‌خواهند در یک روز انتقال پولی انجام دهند (انتقال کارت به کارت سقف دارد).



• پیامد و الزام‌ها همان فرصت‌ها و محدودیت‌ها هستند. در جدول زیر، فرصت‌ها و محدودیت‌های مثال بالا را می‌خوانید.

فرصت‌ها	تسهیل در گردش مالی
محدودیت‌ها	پیروی از مقررات بانکی (از جمله مالیات و...)

نکته: پیامدها و الزام‌های جهان اجتماعی، وابسته به قرارداد و اراده تک‌تک افراد نیست.

## ۳ خانه انسان

یک تفاوتی که میان ما انسان‌ها و حیوانات وجود دارد این است که شرایط خانه و محل زندگی، باعث تغییر در زندگی حیوانات نمی‌شود؛ مثلاً مورچه‌هایی که در خانه‌های مرفه زندگی می‌کنند، شرایط زندگی متفاوتی از مورچه‌های یک خانه فقیرنشین ندارند (چون حیوانات آگاهی و اراده و کنش ندارند).

### ۴. ساختن جهان اجتماعی جدید

وقتی ما به دنیای می‌آییم، جهان اجتماعی قبل از ما هم بوده است (معلوم است که من و تو جهان اجتماعی را به وجود نیآورده‌ایم بلکه اجداد ما این کار را کردند) و این جهان اجتماعی هم مثل هر جهان اجتماعی دیگری، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی دارد. این‌ها باعث می‌شود که فعالیت اعضای جهان اجتماعی در یک چارچوبی قرار بگیرد (همان محدودیت‌ها و فرصت‌ها) یعنی به فعالیت‌های ما شکل می‌دهند. اما نکته مهم این است که این جهان اجتماعی، ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما ما مجبور نیستیم و نمی‌تواند تمام اراده ما را بگیرد. بلکه ما می‌توانیم اراده کنیم که در جهت آن جهان اجتماعی حرکت کنیم یا اینکه تلاش کنیم تا جهان اجتماعی دیگری را به وجود آوریم. در مورد جمله آخر این بخش باید توضیح داد: آگاهی و اراده نوین یعنی اینکه آگاهی و اراده‌ای ایجاد شود که بر اساس جهان اجتماعی موجود نباشد. اگر آگاهی و اراده در جهت همان جهان اجتماعی باشد، باعث تداوم همان جهان اجتماعی می‌شود اما اگر آگاهی و اراده‌ای عین همان آگاهی و اراده قبلی نباشد، در صورتی که بتواند ایجاد شود و گسترش پیدا کند، می‌تواند جهان اجتماعی جدیدی بسازد؛ ولی یادمان باشد که جهان اجتماعی موجود مانع می‌شود که آگاهی و اراده جدیدی حاکم شود؛ زیرا دائماً فرایندی را دنبال می‌کند که بتواند خودش را تداوم بخشد. پس ممکن است آگاهی و اراده به وجود بیاید اما جهان اجتماعی اجازه گسترش و بسط آن را ندهد.

پیدایش + گسترش آگاهی و اراده نوین

ساختن جهان اجتماعی جدید

امکان جلوگیری توده جهان اجتماعی موجود از بسط آگاهی و اراده نوین

انسان‌ها، کنشگر متفعل نیستند بلکه می‌توانند یکی از این دو راه را انتخاب کنند:

- حرکت در مسیر گسترش و تداوم جهان اجتماعی ← پیشرفت جهان اجتماعی موجود
- حرکت به سمت جهان اجتماعی جدید

### ۵. پیامدها و الزام‌های جهان اجتماعی جدید

تا زمانی که مردم یک جهان اجتماعی در راستای همان جهان اجتماعی حرکت می‌کنند و در آن مشارکت دارند، جهان اجتماعی باقی می‌ماند و تا وقتی هم که جهان اجتماعی باقی بماند، پیامدها و الزاماتش هم باقی می‌ماند اما به محض اینکه با آگاهی و اراده‌ای نوین، جهان اجتماعی جدیدی ایجاد شود، پیامدهای جهان اجتماعی قبلی حذف می‌شود و یک سری پیامدها و الزامات جدید ایجاد می‌شود.

مشارکت اجتماعی افراد

پابرجا بودن جهان اجتماعی

پابرجا بودن پیامدهای جهان اجتماعی

تغییر جهان اجتماعی موجود

برداشته شدن الزامات جهان قبلی

ایجاد الزامات جدید برای جهان جدید

جهان اجتماعی را می‌توان همچون خانهای در نظر گرفت که انسان می‌سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته شدن، الزام‌ها و پیامدهایی برای انسان پدید می‌آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می‌سازد. ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌کشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هر یک از ما در برابر نتایج کنش گذشتگان صرفاً کنش‌گری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم با در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. **ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است.** با تغییر جهان اجتماعی موجود، و در پی آن، برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

پیامدها (فرصت و محدودیت)

#### تحلیل کنید

برابر مقررات، همراه داشتن جزوه و کتاب درسی در جلسه امتحان ممنوع است. فرصت‌ها و محدودیت‌های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

#### پیامدهای جهان اجتماعی فرصت‌اند یا محدودیت؟

برخی گمان می‌کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدودکننده افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

هر خانهای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر هم‌اکنون در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانهای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها (یا همان بایدها و نبایدها) تحقق می‌یابد. منظور از فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چیست؟

#### تست؟

- هر یک از عبارتهای زیر با کدام مورد در ارتباط است؟
- (الف) ورود به یک گفتگو در حالی که افرادی ساعت‌ها قبل از ما با هم بحث کرده‌اند.
- (ب) ما بکاریم و دیگران بخورند
- (ج) ممنوعیت از غیبت به خاطر تعهد انضباطی در مدرسه
- (۱) الزام‌ها و پیامدهای جهان اجتماعی - نقش گذشتگان در پیدایش جهان اجتماعی - فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی
- (۲) نقش گذشتگان در پیدایش جهان اجتماعی - ساختن جهان اجتماعی با اراده افراد - نقش مردگان در ساختن جهان اجتماعی
- (۳) وجود جهان اجتماعی قبل از حضور ما - نقش ما در سرنوشت آیندگان - فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی
- (۴) وجود جهان اجتماعی قبل از حضور ما - نقش گذشتگان در پیدایش جهان اجتماعی - ساختن جهان اجتماعی با اراده افراد
- پاسخ:** اینکه وارد گفت‌وگویی بشیم که قبل از ما بوده، بیانگر اون هست که جهان اجتماعی قبل از ما وجود داشته. عبارت ما بکاریم و دیگران بخورند، بیانگر این هست که ما با فعالیت‌های خودمون باعث ایجاد و بروز آثاری می‌شیم که بر آیندگان اثر می‌ذاره. اینکه ما تعهد انضباطی به عدم غیبت داریم مبتنی بر این هست که هر جهان اجتماعی دارای فرصت‌ها و محدودیت‌هایی هست. بنابراین گزینه ۱ صحیح هست.

### ۶ فرصت‌ها و محدودیت‌های بخش‌های جهان اجتماعی

در بخش قبلی گفتیم که هر جهان اجتماعی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای ما ایجاد می‌کند. در اینجا می‌گوییم که بخش‌های مختلف جهان اجتماعی هم به همین ترتیب است: یعنی هر بخش کوچکتر می‌تواند فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را فراهم کند در جدول زیر به ترتیب دو مثال را بررسی می‌کنیم:

مثال‌ها	
قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی	
فرصت‌ها	محدودیت‌ها
فرصت رانندگی و تردد ایمن، سرعت مجاز، رعایت ورود ممنوع و... رفت و آمد سریع و بی‌خطر	محدودیت‌هایی مانند رعایت
زبان	
فرصت‌ها	محدودیت‌ها
ارتباط با هم‌زبانان	لزوم رعایت دستور زبان
مبادله معانی پیچیده	لزوم یاد گرفتن زبان

**نکته:** فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند؛ یعنی اگر می‌خواهیم از فرصت‌ها استفاده کنیم، باید محدودیت‌ها را بپذیریم زیرا بدون محدودیت، فرصت هم ایجاد نمی‌شود؛ به عبارت دیگر فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

### ۷ فرصت‌ها و محدودیت‌های عقاید و ارزش‌ها

عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی هم مانند سایر پدیده‌های اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را فراهم می‌کنند. فرصتی که ایجاد می‌کند، در نظر گرفتن افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان است و محدودیتی که دارد، نادیده گرفتن دیگر ظرفیت‌ها و افق‌هاست.

عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی	
فرصت‌ها	محدودیت‌ها
فراهم کردن افق‌ها و ظرفیت‌های جدید	نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و دیگر توانمندی‌های بشر

**مثال:** اگر عقاید و ارزش‌های دنیوی داشته باشیم، فرصت رشد در علوم تجربی و این جهانی برایمان فراهم می‌شود (فرصت) ولی از سوی دیگر دیدگاه‌های معنوی و فطرت انسان را نادیده می‌گیریم (محدودیت). همچنین رویکردهای دنیاگریز هم فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند.



فرصت‌ها و محدودیت‌های بزرگراه‌ها

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟ به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند با ایمنی تردد کنند؟ بنابراین، مقررات راهنمایی و رانندگی با آنکه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورند، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند، توجه کنید. این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند.

هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

• رویکردهای دنیاگریز هم آن رویکردهایی هستند که اجازه نمی‌دهند بخشی از وجود انسان، که وجهی مادی است بروز پیدا کند و همین باعث می‌شود که نتوانند از قابلیت‌هایی که انسان در راستای بهبود زندگی در این دنیا دارد، استفاده کنند.

• بنابراین می‌توان جهان‌های اجتماعی مختلف را بر دو اساس ارزیابی کرد:

#### ارزیابی جهان‌های اجتماعی مختلف

بسیار

آرمان و ارزش‌ها

فرصت‌ها و محدودیت

**نکته:** بعضی وقت‌ها، با کلمات عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌ها بازی می‌کنند؛ زیرا در بعضی موارد شبیه به هم کلمات عوض می‌شوند و همین باعث می‌شود که بعضی طراحان سؤال از این موضوع استفاده کنند. بدانید که به لحاظ معنایی خیلی تفاوتی ندارند اما لازم است برای پاسخ به سؤالات، به این کلمات توجه داشته باشید.



### تأمل کنید

جدول زیر یک نکته خیلی مهم دارد:

فرصت‌ها	محدودیت‌ها
حقوق	تکالیف

همانطور که گفتیم، فرصت‌ها، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان در نظر می‌گیرند و محدودیت‌ها باعث نادیده گرفتن دیگر ظرفیت‌ها و افق‌ها می‌شود.

به عبارت دیگر می‌توان گفت فرصت‌ها همان حقوق انسان است که باید از آن برخوردار باشد و محدودیت‌ها همان مشخص کننده حیطه تکالیف، مسئولیت‌ها و ظرفیت‌های آدمی است. در اینجا برای خود بنویسید که چه برداشتی دیگری از این جدول دارید:

---



---



---



---



---



---



---



---



---



---



بت پرستی



سلط بر طبیعت

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادها و سرمایه‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

در فعالیت آخر درس اول از شما خواسته شده است آیه ۳۸ سوره مدثر را تحلیل کنید. اکنون دوباره تلاش کنید و این آیه را دقیق‌تر تحلیل کنید.

### گفت و گو کنید

بدون تردید همه ما، حتی محروم‌ترین افراد - اگر چه به صورت نابرابر - از جهان اجتماعی و نظم اجتماعی حاصل از آن فوایدی به‌دست می‌آوریم؛ مثلاً فقیرترین فرد، در حد معقولی می‌تواند مطمئن باشد که در خیابان‌های شهر، اتومبیل‌ها در جهت معین شده حرکت خواهند کرد و یا اینکه هر غذایی که توان خریدش را از هر فروشگاه‌ای داشته باشد در حد معقولی سالم و حلال خواهد بود. اما هر کدام از این فواید هزینه‌ای در بر دارد؛ برای مثال حرکت منظم اتومبیل‌ها، به این معنی است که ما نمی‌توانیم هر طور که بخواهیم رانندگی کنیم بدون اینکه جریمه شویم، امنیتی که ما از آن برخورداریم و در خیابان مورد هجوم قرار نمی‌گیریم هزینه‌اش این است که ما نمی‌توانیم هر از چند گاهی که هوس کردیم به دیگران حمله کنیم. البته اینها به این معنی نیست که بگوییم نظم اجتماعی ما را از آزادی محروم می‌کند. اتفاقاً آزادی ما تنها با وجود نظم اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. رابطه دوسویه نظم و آزادی از پیامدهای الزامی هر جهان اجتماعی است. در طول تاریخ عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های اصیل انسانی بوده است. به نظر شما رابطه دوسویه نظم و آزادی در جامعه عادل چگونه است؟

۱- زمین یا انسان، روح یا عقل، عقل یا علم، علم یا عمل و عمل یا اخلاص، حیات می‌یابد. پیامبر اکرم ﷺ

### تست

کدام گزینه با عبارت زیر تناسب بیشتری دارد؟

«هر جهان اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد.»  
 (۱) جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌ها و نیز فرصت و محدودیت‌ها بررسی کرد.  
 (۲) بخش‌های مختلف جهان اجتماعی دارای فرصت‌ها و محدودیت‌هایی هستند.

(۳) فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی دو روی یک سکه هستند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند.  
 (۴) جهان‌های اجتماعی مختلف بنا بر اعتقادات و ارزش‌هایشان فرصت‌ها و محدودیت‌های مختلفی دارند.

پاسخ: عبارت «هر جهان اجتماعی نیز بر اساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد»، بیانگر آن است که فرصت‌ها و محدودیت‌های هر جهان اجتماعی با هم تحقق می‌یابند و تحقق هیچ‌کدام بدون دیگری ممکن نیست. بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

### تست

گزینه صحیح را انتخاب کنید.

(۱) عقاید و ارزش‌های جهان‌های دنیاگرا و دنیاگریز، تنها دارای محدودیت هستند و فرصت‌هایی برای انسان فراهم نمی‌کنند.

(۲) هر جهان اجتماعی بر اساس فرصت‌ها و محدودیت‌هایش، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را برای انسان فراهم می‌کند.

(۳) جهان اجتماعی موجود، از پیدایش آگاهی و اراده نوین جلوگیری می‌کند.

(۴) محدودیت‌های زبان، شرایط را برای انتقال معانی فراهم می‌آورند.

پاسخ: گزینه «۱» رد می‌شود چون در درسامه خواندیم که فرصت‌ها و محدودیت‌ها با هم تحقق پیدا می‌کنند و نمی‌توانیم جهان اجتماعی را تصور کنیم که فقط فرصت یا محدودیت داشته باشد. گزینه «۲» هم رد می‌شود چون هر جهان اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌هایی که دارد افق‌ها و ظرفیت‌هایی را ایجاد می‌کند. گزینه «۳» هم رد می‌شود چون آن چیزی که جهان اجتماعی از شکل‌گیری آن جلوگیری می‌کند، بسط جهان اجتماعی جدید است. در واقع جهان اجتماعی از پیدایش آگاهی نوین جلوگیری نمی‌کند بلکه از شکل‌گیری جهان اجتماعی جدید خودداری می‌کند: چون فرصت‌ها و محدودیت‌ها با هم تحقق پیدا می‌کنند و هر کدام به دیگری کمک می‌کنند. بنابراین گزینه «۴» صحیح است.

## بخوانیم و بدانیم

تار عنکبوت محکم‌ترین ماده زیستی است که تاکنون شناخته شده است. تارهای ابریشمی سازنده خانه عنکبوت، از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول خود کشیده می‌شود. اگر یک عنکبوت، تار به ضخامت انگشت شست می‌ساخت می‌توانست یک هواپیمای جمبوجت را به آسانی حمل کند. شکل خانه عنکبوت نیز شگفت‌انگیز و به شکل دایره‌های متحدالمرکزی است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسبندگی خود توان به دام انداختن حشرات را دارند. با این حال چرا قرآن آن را سست‌ترین خانه‌ها توصیف کرده است؟ (سوره عنکبوت، آیه ۴۱) خانه عنکبوت و نه تارهای آن، سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان، سایه کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تند باد و خطر مهاجمان قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد. وقتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضا با هم درگیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشند.

خدا زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، همچون کسانی می‌داند که به خانه سستی، همچون خانه عنکبوت پناه برده‌اند.

## تأمل کنید

فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا بایدها و نبایدهای جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، چند نمونه از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده، مدرسه و کشور جمهوری اسلامی ایران نام ببرید.

## ۸ فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد کدام‌اند؟

منظور از **جهان متجدد**، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. اندیشمندان مختلف درباره ویژگی‌های این جهان اجتماعی گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، برشمرده‌اند. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟

۴۶

• حالا در جدول زیر با انواع جهان‌ها و ویژگی‌های هر یک آشنا می‌شوید.

انواع جهان		
اساطیری	معنوی	دنیوی
فرهنگ اساطیری = قائل به خدایان متکثر و قدرت‌های فوق طبیعی (مانند اعتقاد به خدای باران، خدای موسیقی، خدای مهربانی و ...)	فرهنگ معنوی = عالم تکوین هم شامل طبیعت است و هم شامل فراطبیعت	فرهنگ دنیوی = فرهنگ سکولار = عقاید و ارزش‌های دنیوی
محصول انحراف از فرهنگ توحیدی	مقدس دیدن این جهان در سایه حیات برتر	انکار جهان دیگر یا پذیرش در محدوده منافع دنیوی
مانع شکوفایی فطرت آدمی	عبور انسان از مرزهای دنیوی و چهره‌های ملکوتی	به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها در خدمت دنیا + فراموشی ظرفیت معنوی انسان

در کدام گزینه عبارتی نادرست وجود دارد؟

۱) تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آن‌ها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود. - لایه‌های عمیق، تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند. - ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده‌های نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند.

۲) تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد. - هنجارها و نمادها بر حسب شرایط، در زمینه‌های مختلف قابل تغییرند. - با تغییر جهان اجتماعی موجود و در پی آن، برداشته شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و الزام‌های دیگری به دنبال می‌آورد.

۳) تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است. - باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیرشان از زندگی و مرگ خود، عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی به حساب می‌آیند. - جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

۴) انسان در قبال فرهنگی که از طریق تربیت به او منتقل می‌شود، صرفاً موجودی منفعل و پذیرنده نیست، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است. - بخش‌هایی از جهان اجتماعی به آسانی تغییر می‌کنند و تغییر آن‌ها، تحول مهمی در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد. - هر یک از ماصرفاً کنشگری منفعل نیستیم، بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت جهان موجود یا ساخت‌جهانی جدید حرکت کنیم.

پاسخ: «هر جهان اجتماعی را می‌توانیم بر اساس عقاید و ارزش‌های آن و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورد، ارزیابی کنیم» آنچه موردنظر است عقاید و ارزش‌هاست و جایگزینی هنجار به جای ارزش نادرست است؛ گزینه «۳» عبارت نادرستی را بیان می‌کند. بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

## ۸ انواع جهان اجتماعی

**جهان غرب:** منظور از غرب آمریکا و اروپاست که در چهارصد سال اخیر یک تغییراتی کرده و یک سری ویژگی‌هایی را کسب کرده است. از آن زمان به بعد به غرب می‌گوییم **جهان متجدد** (جهان مدرن).

• در مورد کادری که در این صفحه آمده است به نمودارهای زیر توجه کنید تا بعد توضیحات لازم را با هم مرور کنیم:

• جهان‌های اجتماعی براساس فرهنگ به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:





● **محصول انحراف از فرهنگ توحیدی:** یعنی اول فرهنگ توحیدی و یک خدایودهاست ولی کم کم ریختن پرستی را فراموش کرده اند و به خدایان مختلف روی آورده اند بت پرستی هم نوعی فرهنگ اساطیری است.

**نکته:** یادتان باشد که با این قسمت از درس، در فصل دوم کتاب یازدهم خیلی کار داریم.

● هر یک از سه جهان دنیوی، توحیدی و اساطیری، به گونه خاصی با جهان طبیعی برخورد می کنند که در جدول زیر مشاهده می کنید.

### تعامل با جهان طبیعی

#### دنیوی

«بی معنا و بی هدف بودن طبیعت» «ماده خام در دست انسان» «بهره‌وری‌های بی نظیر» «بحران زیست‌محیطی»

#### اساطیری

«قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و افسون‌ها» «طرد دانش ابزاری» «عدم بهره‌برداری از طبیعت» «متع تناول گیاهان و حیوانات»

#### توحیدی

«موجود زنده و آیت و نشانه خدا» «انسان مسئول آبادانی طبیعت است.»

### ۹ فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد

● نکته اول این است که یادتان باشد که تمام این مطالب تا پایان صفحه بعد، فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد است. ● نکته دوم اینکه در نمودار زیر با فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد آشنا شده و در ادامه هر یک را به صورت جداگانه توضیح می‌دهیم.

#### فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد

رویکرد دنیوی و این جهانی

تسلط بر عالم

استفاده از علوم تجربی

پیش‌بینی و پیشگیری حوادث طبیعی

رواج کنش‌های دنیوی

قفس آهنین

قدسی زدایی

علم نبودن علوم غیر تجربی

عدم ارزیابی ارزش‌ها

جهان‌های اجتماعی را بر اساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند. ● **جهان دنیوی** دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافع که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان دنیوی «همه ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

● **جهان معنوی:** فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌های آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند. جهان معنوی دو نوع **توحیدی** و **اساطیری** دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است. اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و **محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.**

این سه جهان چه تصویری از طبیعت دارند و چگونه با آن تعامل می‌کنند؟ در جهان اجتماعی دنیوی، طبیعت هیچ گونه معنا، هدف و غایتی ندارد و صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است که می‌تواند به میل خود در آن دخل و تصرف کند. بهره‌وری‌های بی نظیر کنونی و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا محصول همین دیدگاه است.

**جهان اساطیری** طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آنها می‌بیند و با طرد دانش ابزاری مناظر با طبیعت، امکان بهره‌وری مغفول انسان از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد. متع انسان از تناول گیاهان و حیوانات، نمونه‌ای از این محدودیت‌هاست.

در جهان توحیدی، طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم و به خواست او مسخر انسان است و انسان خلیفه الهی و مسئول عمران و آبادانی طبیعت است. تصرفات انسان در طبیعت ملقود به اراده حکیمانه الهی است.

جهان متجدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؟

● یکی از متفکرانی که درباره ویژگی‌های جهان متجدد اندیشیده، **ماکس وبر** جامعه‌شناس آلمانی است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد:

جهان متجدد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد.

● **فرهنگ سکولار:** فرهنگی دارای عقاید و ارزش‌های این جهانی است: یعنی فقط همین دنیا را می‌بیند و هیچ چیز دیگر جز این در نظر ندارد اگر هم یک موقعی به مسائل معنوی توجه می‌کند، به خاطر رسیدن به اهدافی است که در همین دنیا دارد.

#### فرهنگ سکولار = فرهنگ دنیوی

● به کار گرفتن ظرفیت‌ها برای امور دنیوی: یعنی کاری می‌کند که انسان همه تلاش خود را برای رسیدن به اهداف دنیوی قرار دهد (مثلاً همه تلاش انسان برای پول یا مقام و شهرت می‌شود) و اصلاً فراموش می‌کند که انسان یک‌سری نیازهای معنوی هم دارد. (مثلاً انسان نیاز به عبادت دارد که در فرهنگ دنیوی به کل فراموش می‌شود).

● **مقدس دیدن این جهان در سایه حیات برتر:** یعنی می‌گوید اگر این دنیای مادی هم دارای اهمیت باشد، به خاطر این است که یک گوشه و یک سایه‌ای از جهان معنوی است. یعنی یک جهان معنوی بوده است که سایه‌ای از آن تبدیل به این جهان مادی شده است.

● **ملکوتی بودن چهره انسان:** یعنی انسان موجودی مادی نیست بلکه می‌شود خلیفه خدا یا موجودی که خدا آفریده است؛ بنابراین انسان دارای بعد آسمانی و ملکوتی می‌شود.

● **خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی:** یعنی همان بت‌ها و چیزهایی شبیه آنها که فکر می‌کردند هر یک مدیریت بخشی از جهان را برعهده دارند. **مثلاً** برخی فکر می‌کردند که یک موجود بسیار قدرتمند وجود دارد که مدیریت دریاها در دست اوست.

۱۰ در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و... و مسلط شدن بر آنها را به انسان می‌دهد.

قوت افرونگ از علم و فن است از همین آتش، چراغش روشن است

اقبال لاهوری

جهان متجدد ← علوم تجربی



به کارگیری علوم تجربی و فناوری حاصل از آن

۱۱ در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند (مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی یا استفاده از علوم مهندسی برای ساختن پل، جاده و...) به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌هایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

۱۲ در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند؛ به وسیله او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند، به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

در نگاهش آدمی آب و گل است کاروان زندگی بی منزل است

اقبال لاهوری

دیدگاه جهان متجدد (سکولار)

۱- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند.

حالا با توجه به نمودار، فکر می‌کنید کدام یک فرصت و کدام یک محدودیتی برای بشر در جوامع امروزی است؟

فرصت‌ها و محدودیت‌ها

- ۱ رویکرد دنیوی و این جهانی (فرصت): یعنی هدفش را موفقیت در این دنیا گذاشته و چیزی جز دنیای مادی را نمی‌بیند.
  - ۲ در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط بر این عالم (فرصت): یعنی دائماً تلاش می‌کند که در این دنیا به موفقیت‌های بیشتری برسد و بتواند بر این عالم مسلط شود تا استفاده بیشتری بکند. مثال تلاش می‌کند تا همه موجودات و حیوانات را در جهت اهداف خودش استفاده کند.
- کمی فکر کنید: چه فرصت‌ها و محدودیت‌های دیگر وجود دارد؟

۱۰ علوم تجربی

- ۳ استفاده از علوم تجربی (فرصت): علوم تجربی علمی هستند که در مورد ویژگی‌های مادی در این دنیا پژوهش می‌کنند. پس بدیهی است که علم مورد نظر جهان دنیوی، علم تجربی باشد.
- ۴ قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی با علم و فناوری تجربی (فرصت): انسان متجدد می‌خواهد از طریق علوم تجربی با پیش‌بینی طبیعت بر آن مسلط شود. مثال او از طریق علوم تجربی فرمول‌های نیروی گرانش زمین و همچنین مقاومت هوا و فشار آن را به دست می‌آورد و این فرمول‌ها به او قدرت پیش‌بینی این نیروها را می‌دهند. اکنون او می‌تواند با این علم بر این قانون در طبیعت غلبه کند و مثلاً هواپیما بسازد و از سقوط آن پیشگیری کند.



نکته: چون علوم تجربی ابزاری برای غلبه بر طبیعت است، به آن علوم ابزاری هم می‌گویند.

علوم تجربی = علوم ابزاری

۱۱ کنش‌های حسابگرانه

۵ رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا (محدودیت): یعنی انسان جهان متجدد دائماً تلاش می‌کند تا با علوم تجربی به اهداف دنیوی برسد. حسابگرانه، یعنی اینکه به دنبال سود باشیم. حسابگرانه معطوف به دنیا، یعنی اینکه هدفمان دنیا باشد؛ پس یعنی کنشی رواج می‌یابد که هدف و سودش در این دنیا است. همین موضوع باعث می‌شود که کنش‌های دیگری که این دنیایی و حسابگرانه نیستند، کنار گذاشته شوند. مثال عاطفه و اخلاق. اخلاق کنشی است که ما برای رسیدن به فضیلت‌هایی برتر از

جهان مادی، آن‌ها را رعایت می‌کنیم و همچنین عاطفه کنشی حسابگرانه نیست؛ زیرا ما مادرمان را برای اینکه سودی به ما برساند دوست نداریم بلکه او را فقط برای خودش دوست داریم.

۶ قفس آهنین (محدودیت): وقتی کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا زیاد شد، کم‌کم آدم‌ها در وضعیتی قرار می‌گیرند که هیچ چیز جز سود مادی برایشان معنا ندارد و همین باعث می‌شود که آرام آرام آزادی هم از آن‌ها سلب شود؛ یعنی دیگر آن‌ها آزادی کارهایی خارج از سود مادی ندارند و چاره‌ای جز حرکت به سمت اهداف دنیوی برایشان باقی نمی‌ماند.





### ۱۳۱ - علم در جهان متجدد

**۸ علم نبودن علوم غیر تجربی (محدودیت):** ما علوم تجربی را برای امور مادی استفاده می‌کنیم و علوم غیر تجربی را برای امور غیر مادی. خوب وقتی به امور غیر مادی کاری نداشته باشیم، معلوم است که با علوم غیر تجربی هم کاری نداریم.

**۹ از دست رفتن امکان ارزیابی ارزش‌ها (محدودیت):** شرایط دنیای متجدد را مانند یک دستگاهی قرض کنید که فقط علوم تجربی برای او تعریف شده و غیر از آن نمی‌داند و هر چیز تجربی که در آن می‌فرستیم را برای ما بررسی می‌کند. حالا اگر ارزش‌ها را داخل این دستگاه بفرستیم (ارزش‌ها اموری مادی و تجربی نیستند) به‌طور کلی هنگ می‌کند: زیرا نمی‌تواند آن را بررسی کند. بنابراین ارزش‌ها را کنار می‌گذارد و می‌گوید که وابسته به تمایلات افراد و گروه‌هاست، یعنی هر کس هر چی دوست داشت! **مثال:** دروغ گفتن یا نگفتن اموری از ارزش‌ها هستند و غیر مادی‌اند و نمی‌توان با علوم تجربی بررسی کرد که دروغ گفتن خوب است یا بد؛ بنابراین جهان متجدد می‌گوید هر کاری دوست داشتید بکنید، اگر دوست داشتید دروغ بگویید و اگر دوست نداشتید نگویید! نتیجه این رویکرد می‌شود زوال معنا و عقلانیت ذاتی که در پاورقی آمده است...



**نکته:** پدیده‌های فراتجربی اموری هستند که با علوم تجربی شناخته نمی‌شوند؛ مانند ارزش‌ها و آرمان‌ها. علوم فراتجربی هم علوم عقلانی و وحیانی هستند.

**توضیح عکس:** تصویر فیلم عصر جدید، در رابطه با مواردی است که پیرامون قفس آهنین و رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا آورده شده است.

**نکته:** به پاورقی این دو صفحه اخیر حتماً دقت کنید.

عقلانیت
ابزاری
گسترش علوم تجربی برای تسلط بر جامعه
ذاتی
زوال معنا

۱۳۲ جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با اقول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری - که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند - از دست می‌رود و **داوری** درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفوق سپرده می‌شود. آیا راهی عقلانی و علمی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی وجود دارد؟



نمودار فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد از نگاه وبر

#### تفسیر کنید



فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند، تفسیر کنید.

۱- از این روند به زوال معنا و «عقلانیت ذاتی» یاد می‌شود.  
۲- از دست رفتن امکان «داوری»

### ۱۳۲ - طرد عناصر معنوی

**۷ قداست‌زدایی (محدودیت):** در جهان متجدد، کل جهان فقط یکسری مواد هستند که هیچ بعد معنوی ندارند و هیچ قداستی در آن‌ها دیده نمی‌شود. (آب فقط  $H_2O$  است و نه برکت الهی) این مواد بی‌روح، در دست انسان قرار دارند و او می‌تواند هر کاری که بخواهد با آن انجام دهد. به‌عنوان مثال درخت نشانه خداوند نیست و لزومی ندارد به آن احترام بگذاریم؛ پس هرچقدر بخواهیم می‌توانیم برای مصرف درخت قطع کنیم.

#### تست؟

کدام گزینه بیانگر گسترش عقلانیت ابزاری است؟

- ۱) قوت افرنک از علم و فن است/ از همین آتش چراغش روشن است
- ۲) در نگاهش آدمی آب و گل است/ کاروان زندگی بی منزل است
- ۳) هزاران در از خلق بر خود ببندی/ گرت باز باشد دری آسمانی
- ۴) دیگران کاشتند و ما خوردیم/ ما بکاریم و دیگران بخورند

**پاسخ:** عقلانیت ابزاری یعنی گسترش علوم تجربی برای تسلط بر جامعه. گزینه «۱» بیانگر این نکته هست. از علم و فن و قوت افرنک می‌تونیم به این نکته پی ببریم. بنابراین گزینه «۱» صحیح است.

بیش از سایر علوم‌ها به بشر خدمت می‌کند چرا که نمود خارجی دارد؛ یعنی می‌توان از آن در هر زمینه‌ای بهره برد. اما این استفاده نادرست و افراط‌گونه از علوم طبیعی و کمرنگ شدن عقلانیت یک نتیجه نامطلوب دارد و آن استعمار انسان کتونی یا بهتر است بگوییم زوال بشری است.



• به تصویر بالا نگاه کنید. تصور کنید که آن شخصی که در قفس قرار دارد شخص شماست. شمایی که در دنیای متجدد زندگی می‌کنید و تمام سعی و تلاشتان این است که از علوم طبیعی برای زندگی دنیوی خود بهره ببرید. یقیناً نتیجه این رویکرد شما، از دست رفتن اراده و آزادی است. پس می‌توان این چنین گفت که:

محدودیت‌های جهان متجدد



سلب آزادی عمل و اراده بشر

همین امر می‌تواند جوانب بسیار دیگری داشته باشد؛ برای مثال یکی از نتایج آن، محدود شدن سایر کنش‌های شماست. کنش‌هایی که پیامدهای ارادی آن می‌توانست بر کنش‌ها و زندگی سایر کنشگران تأثیر بگذارد. این تنگنا در جوامع سرمایه‌داری غرب بسیار رواج دارد. بر اساس این نظریه، افراد در نظام‌هایی به دام (قفس) می‌افتند که تنها پیرو محاسبات عقلانی و علوم طبیعی هستند و هیچ راه دیگری برای سعادت بشری قائل نیستند.

#### ◀ برای مطالعه، نه برای کنکور!

مدرنیته طبیعتاً الزامات و اقتضائات خاص خود را دارد؛ که یکی از آن‌ها پیدایش مفهوم کار، کارفرما و کارگر است. پس از قرن نوزدهم و بیستم، می‌توان ادعا کرد که تمام جوامع پا به عرصه توسعه و مدرنیته گذاشتند؛ جامعه‌ای بیشتر و جامعه‌ای کمتر. اما این مسیر یک پیامد دیگر داشت؛ در همان جامعه واحد مدرن‌شده، باز هم گروهی توسعه‌یافته‌تر و گروهی به دور از توسعه پیدا شدند. یعنی چی؟ برایتان می‌گوییم: به ثروتمندان و فرودستان نگاه کنید. کسی که از بهره مالی خوبی برخوردار است گویی بهتر و بیشتر مفهوم مدرنیته را درک کرده و از آن بهره برده و کسی که وضع مالی چندان متناسبی ندارد و در فقر به سر می‌برد، به قول امروزی‌ها، از تکنولوژی به دور است. حالا برگردیم سر حرف اولم، جامعه مدرن شده؛ اما آیا این مدرنیته برای همه رخ داده است؟ آیا همه در شرایط یکسانی از آن برخوردارند؟ و سؤال آخر، آیا واقعاً مفهومی به نام مدرنیته وجود دارد یا اینکه می‌توان آن را فقط تغییر شرایط و پیشرفت در نظر گرفت؟

#### ؟ تست

هر یک از عبارات زیر، کدام یک از ویژگی‌های جهان متجدد را نشان می‌دهد؟  
الف) در نگاهش آدمی آب و گل است / کاروان زندگی بی‌منزل است  
ب) داوری درباره ارزش‌ها و آرمان‌های بشری به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود.

ج) جهان متجدد در مسیر رفاه مادی و تسلط انسان بر طبیعت تلاش می‌کند.  
۱) تقدس‌زدایی - غلبه کنش حسابگرانه معطوف به دنیا رویکرد دنیوی در این جهان  
۲) زوال عقلانیت ذاتی - زوال عقلانیت ذاتی - غلبه رویکرد و دانش تجربی  
۳) زوال عقلانیت ذاتی - غلبه کنش حسابگرانه معطوف به دنیا - غلبه رویکرد و دانش تجربی

۴) تقدس‌زدایی - زوال عقلانیت ذاتی - رویکرد دنیوی در این جهان  
پاسخ: بیت «در نگاهش آدمی آب و گل است / کاروان زندگی بی‌منزل است» به تقدس‌زدایی جهان متجدد اشاره دارد. از روند سپرده شدن داوری درباره ارزش‌ها و آرمان‌های بشری به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق به زوال عقلانیت ذاتی یاد می‌شود. رویکرد جهان متجدد تلاش در مسیر رفاه مادی و تسلط انسان بر طبیعت است. بنابراین گزینه «۴» صحیح است.  
هر یک از مفاهیم عبارات زیر مربوط به کدام گزینه است؟

الف) فرهنگ سکولار ب) غرب بعد از رنسانس ج) فرصت‌ها و محدودیت‌ها  
۱) معادل با فرهنگ دنیوی است. - جهان متجدد ۴۰۰ سال اخیر - دوروی یک سکه  
۲) معادل عقاید و ارزش‌های این جهان است. - جهان متجدد ۴۰۰ سال اخیر - عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی  
۳) معادل با فرهنگ دنیوی است. - جهان متجدد دارای فرهنگ اساطیری - دو روی یک سکه

۴) معادل عقاید و ارزش‌های این جهان است. - عقاید و ارزش‌های فرهنگ اساطیری - عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی  
پاسخ: فرهنگ دنیوی = فرهنگ سکولار  
غرب بعد از رنسانس = جهان متجدد ۴۰۰ سال اخیر  
فرصت‌ها و محدودیت‌ها = دو روی یک سکه بنابراین گزینه «۱» صحیح است.

#### ◀ ماکس وبر و جهان متجدد

به نمودار زیر دقت کنید.

فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد از منظر ماکس وبر



۱. بسط و توسعه عقلانیت انسانی



۲. زوال عقلانیت ذاتی



۳. قفس آهنین



۴. غلبه کنش‌های عقلانی که اهداف دنیوی را تعقیب می‌کنند.

• شاید بتوان گفت مورد اول و چهارم محدودیت‌های جهان متجدد هستند. بگذارید کمی راحت‌تر موضوع را برایتان باز کنم. در دنیای کتونی که ما در آن هستیم و زندگی می‌کنیم، هر آنچه که به کار زندگی روزمره (از هر جانب) بیاید، مورد استقبال و استفاده قرار می‌گیرد. از همین روست که علوم تجربی